

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

یکشنبه ۲ جولای ۲۰۲۳

حمید انوری

از افغانستان تا اوکراین

و

از دوستم تا پریگوژین

سیاست استعماری کرملین بر این اساس بنا نهاده شده است که "حفظ نیرو های خودی و کشتار نیرو های مقابل"، روسیه با همین سیاست جنگی به افغانستان تجاوز کرد و در مخیله خود چنان مجسم ساخته بود که با تجاوز نظامی به افغانستان، بکارگیری نیروهای نظامی افغان، استفاده از نیرو های ایله جار خلقی و پرچمی که طی سالیان متمادی به شدت مغز شوئی گردیده بودند، طی چند هفته یا چند ماه جنگ را فتح خواهند کرد و افغانستان یکی از اعمار روسیه خواهد گردید و با کمترین تلفات، بیشترین بهره برداری خواهند کرد و در مدت اندکی به آبهای گرم بحیره هند خواهند رسید و... یکی از ترنند های کثیف تجاوزگران روسی در کشورما، ایجاد گروپ های متعدد ملیشه بود در سرتاسر افغانستان و یکی از آنجمله هم گروپ ملیشه رشید دوستم به نام ملیشه های جوزجانی بود. رشید دوستم یک اجیر بی سواد در شرکت نفت و گاز شبرغان بود که در منطقه بود و باش خود، دست به دزدی و چور و چپاول و قتل و غارت میزد و به زودی توسط استخبارات روس و رژیم دست نشانده شان جذب گردید، امکانات مالی و نظامی فراوان در اختیارش گذشته شد و به او در جرم و جنایت و کشتار، اختیارات گسترده داده بودند. در زمان نجیب الله، به او قدرت بیشتر و وسیع تر دادند و به شورای انقلابی و کمیته مرکزی آن حزب جذب گردید.

"... آقای دوستم یکی از چهره های پرنفوذ سیاسی- نظامی قوم اوزبیک در افغانستان است (بود) که در رویدادهای چهار دهه اخیر در آن کشور نقش مهم و اثرگذاری داشته است.

عبدالرشید دوستم در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ خورشیدی) در یک خانواده دهقان در ولسوالی خواجه دوکوه ولایت جوزجان به دنیا آمد. او پس از فراغت از مکتب ابتداییه، به دلیل مشکلات اقتصادی با پدرش به دهقانی پرداخت و نتوانست تحصیلاتش را ادامه دهد.

در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ خورشیدی) عبدالرشید دوستم برای خدمت عسکری شامل اردو شد. با تکمیل دوره سربازی، آقای دوستم به حیث مسوول گروهی از کارگران در تفحصات نفت و گاز شهر شبرغان به کار آغاز کرد. پس از تهاجم قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی پیشین در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی و آغاز درگیری ها و جنگ در افغانستان، عبدالرشید دوستم توسط بزرگان روستای خواجه دو کوه به حیث فرمانده یک گروه ۶۰۰ نفری دفاع خودی گماشته شد.

سپس آقای دوستم به قطعاً کماندو پیوست و برای مدتی جهت فراگیری آموزش‌های کماندو به اتحاد شوروی پیشین سفر کرد. پس از بازگشت به افغانستان، وی با رتبه بریدگی شامل قوای مسلح افغانستان شد و مسوولیت یک جزو تام ۵۰ نفری را گرفت.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی حکومت وقت افغانستان به رهبری داکتر نجیب الله به عبدالرشید دوستم لقب قهرمان را داد و پس از چندی آقای دوستم به صفت فرمانده یک کاندک ۱۲۰۰ نفری گماشته شد.

چندی بعد آقای دوستم به کمک هم رزمایش که بیشتر آنان جنگجویان اوزبیک طرفدار دولت افغانستان بودند فرقه ۵۳ را اساس گذاشت و حکومت وقت در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷ خورشیدی) وی را به صفت قوماندان این فرقه منصوب کرد.

فرقه ۵۳ که اکثر منسوبان آن، اعم از جنگجویان و فرماندهان، اوزبیک بودند، در زمان حکومت‌های مورد حمایت شوروی در افغانستان نبردهای سنگینی را با گروه‌های مجاهدین در ولایت‌های مختلف انجام داد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ جنرال عبدالرشید دوستم حزب سیاسی جنبش ملی اسلامی افغانستان را تاسیس کرد. آقای دوستم که در سال‌های اخیر حکومت داکتر نجیب‌الله، رئیس جمهور پیشین افغانستان با دولت ناسازگار شده بود، در ۱۸ اپریل ۱۹۹۲ با احزاب مجاهدین ائتلاف را تشکیل داد و روابط خود را با حکومت داکتر نجیب که در حال انتقال قدرت به مجاهدین بود، قطع کرد.



پس از رویکار آمدن حکومت به رهبری مجاهدین در افغانستان و آغاز جنگ‌های داخلی در آن کشور، آقای دوستم یکی از طرف‌های درگیر جنگ بود و جنگجویان حزب جنبش نبردهای سخت و خونینی را با دیگر تنظیم‌های جهادی در ولایت‌های مختلف به ویژه (بخصوص) شهر کابل انجام دادند.

مخالفان آقای دوستم، او را یکی از عاملان ویرانی شهر کابل و کشتار باشندگان این شهر در جریان جنگ‌های داخلی سال‌های ۱۹۹۰ در افغانستان می‌پندارند.

آقای دوستم در جریان جنگ‌های داخلی نوعی اداره نیمه مستقل را در نه ولایت شمال افغانستان – از بدخشان گرفته تا بادغیس – ایجاد کرد که برخی از این ولایت‌ها به ویژه جوزجان و بلخ از امنیت نسبی برخوردار بود و شماری از آوارگان جنگ کابل نیز در آنجا پناه برده بودند. اداره آقای دوستم واحد پولی خود را چاپ می‌کرد که به نام "پول جنبشی" مشهور بود... " صدای امریکا

"...در زمان کار در برج برمه توسط کنجه کارگر به حزب دمکراتیک خلق افغانستان- شاخه پرچم جذب شد. وی پس از آن به عنوان سرباز امنیت دولتی ارتقاء و بعد از مدت کوتاهی قوماندان تولی و متعاقباً قوماندان کندک امنیت دولتی شد. در سال ۱۳۶۵ فعالیت‌های استخباراتی چشمگیری از خود نشان داد و به کمک سید اکرام پیگیر منشی ولایتی وقت و دستور روس‌ها فرقه ۵۳ پیاده را ساخت. او خود فرمانده فرقه شد و رتبه برید جنرالی برایش اعطا گردید. در سال‌های تهاجم شوروی به افغانستان، از رهبر یک اتحادیه کارگری در معدن گاز در شمال افغانستان، به یک رهبر گروه شبه‌نظامی ازبک تبار تبدیل شد که در حمایت از دولت کمونیستی تحت حمایت شوروی سابق می‌جنگید... وی قبلاً به عنوان جنگ‌سالار در جنگ‌های داخلی افغانستان، جنگ‌های کابل و جنگ شوروی در افغانستان جنگیده است، دوستم در زمان جنگ شوروی در افغانستان به عنوان ژنرال در ارتش کمونیستی افغانستان خدمت می‌کرد، بعداً به عنوان یک جنگ‌سالار مستقل و رئیس کمیته ازبک‌های افغانستان فعال بود، در دهه ۱۹۸۰ ضد مجاهدین افغانستان و بعدها در سال‌های ۱۹۹۰ ضد طالبان می‌جنگید... " خبرگزاری میزان

او بعد ها با خیانت به نجیب الله، باعث سقوط رژیم او گردیده و به احمدشاه مسعود و شورای نظار او پیوست. بعد ها به مسعود و ربانی خیانت کرد و به گلبدین حکمتیار پیوست و باعث کشتار و قتل عام مردم بی گناه و مظلوم کابل گردید. در زمان تجاوز امریکا و متحدین، او به امریکائی‌ها وفاداری خود را اعلان کرد و در رژیم‌های بعد از اشغال امریکا، به مدارج سترجنرالی و مارشالی رسید و باری هم معاونیت ریاست جمهوری اشرف غنی را به دست آورد. او امروز فراری بوده و در کشور ترکیه روزگار سپری میکند.

و چنین بوده است روزگار "پریکوژین"، رهبر گروه ملیشه "واگنر" که در سنین جوانی مشغول دزدی و قتل و کشتار و جرم و جنایت بود و بعد ها به ۹ سال زندان محکوم گردید و در همان زمان زندانی بودن، توسط استخبارات نظامی آن زمان روسیه "GRU" جذب گردید و بعد از آزادی از

زندان، به سرعت مدارج ترقی نظامی را پیمود و در جنگ تجاوزگرانه روسیه- اوکراین، به اوکراین گسیل گردیده و حدود ۲۵ هزار جنگجو که همه از خطرناکترین جنایتکاران محکوم به حبس ابد، حبس های طولی مدت و یا هم اعدام بودند، به ابتکار "پریگوزین" و حمایت مستقیم "پوتین" به آن جنگ وحشیانه و تجاوزگرانه فرستاده شد و چنان وحشت و دهشت و جنایت عظیم را در آن کشور به راه انداخت که تمام شهر های سرحدی اشغال شده اوکراین را به یک خرابه و وحشتناک مبدل ساخت و...

عاقبت درست مانند دوستم "ملیشه گلم جم" رو به سوی ماسکو آورد و قضایای بعدی... رشید دوستم که در افغانستان نظر به جنایت وحشتناک او و گروه مسلح او، به "گلم جم" مشهور گردید، به هیچ کسی دیرگاهی وفادار نماند. او در زمان اشغال افغانستان توسط روسیه، در خدمت اشغالگران روسی بود و بعد ها در زمان تجاوز امریکا و متحدین به افغانستان، متحد وفادار نظامیان امریکائی در افغانستان بود و بالای خونهای پاک فرزندان آن مرز و بوم، تجارت سیاسی کرد و به آرگاه و بارگاه رسید و در فردای فرار عساکر امریکائی از افغانستان، او نیز فرار را بر قرار ترجیح داد و زبونه به ازبکستان فرار کرد، اما حکومت ازبکستان چون از گذشته ننگین او به خوبی اطلاع داشت، او را به عنوان پناهنده نپذیرفت و مجبور گردید به آغوش رفیق شفیق خود "اردوغان" پناه برد.

و اینگونه بود که گلیم جنایات او و باند جنایت گستر او در افغانستان بعد از چهل سال برچیده شد. همین گونه است سرنوشت "پریگوزین" روسی که اکنون به کشور بلاروس پناه برده است، اما هر لحظه مرگ را در یک قدمی خود می بیند و سازمانهای استخباراتی "پوتین" دستور کشتن او را به هر قیمتی که ممکن باشد، دریافت کرده اند. حال دیده شود که "پریگوزین" و گروه ملیشه های "واگنر" اول نیست و نابود می شوند، یا اینکه درست مانند رژیم نجیب الله، زندگی سیاسی- نظامی "پوتین" را خاتمه داده و چهل سال دیگر، "پریگوزین" از خون ملت روس تغذیه خواهد نمود. فقط باید منتظر جریان اوضاع و گذشت زمان بود.